

# نگرش دانش آموزان به درس

## پژوهش



## فریبرز بیات



دانش آموزان در مورد دروس کونا کون چگونه فکر می کنند؟ چه برداشت و طرز تلقی ایی از محتوا، کاربرد و فایده‌ی دروس دارند؟ این طرز فکر از کجا ریشه می گیرد و چه عواملی آنان را شکل می دهند؟ و بالاخره این که تاثیر این نگرش ها و طرز تلقی ها در عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان چه قدر است؟ این مقاله سعی دارد پاسخ چنین پرسش هایی را با بررسی و تحلیل ثانویه‌ی اطلاعات حاصل از یافته‌های پژوهش های مختلف روشن کند. لازم به یادآوری است که این بررسی شتابزده و گذرا بر مبنای منابع محدود و در دسترس انجام شده است و بیش از آن که توانسته باشد به بررسی عمیق موضوع بپردازد به طرح مساله و اهمیت و ضرورت برای آن پرداخته است. قبل از پرداختن به پاسخ پرسش ها، ناگزیر از توضیح چند مفهوم پایه و اساسی هستیم که ادبیات موضوع را تشکیل می دهند و پژوهش های متفاوت در بر تو چنین مفاهیم و نظریه‌هایی به موضوع پرداخته اند.

## نگرش

«نگرش» عمیق‌ترین لایه‌ی رفتار هر فرد را تشکیل می‌دهد و از این نظر، تأثیر پایداری در شکل‌دهی به رفتار، مواضع و جهت‌گیری‌های اشخاص نسبت به پدیده‌ها و محیط پیرامون خود دارد. تعاریف متفاوت و گوناگونی از نگرش به عمل آمده که برخی از آن‌ها بدین قرارند:

- حالت عاطفی مثبت یا منفی نسبت به یک موضوع [پیشین]، [۱۳۸۰].

- ترکیب شناخت‌ها و احساس‌ها، و آمادگی برای عمل به یک چیز معین را، نگرش به آن چیز می‌گویند [کریمی، ۱۳۷۹].
- واکنش عصبی، مثبت یا منفی نسبت به یک معنی یا شیء ملموس [پیشین].

از نظر **گوردن آلپورت**، از صاحب نظران برجسته‌ی روان‌شناسی اجتماعی، نگرش یک حالت روانی و عصبی است که از طریق تجربه‌ی سازمان یافته، تأثیری هدایت‌کننده یا پویا بر پاسخ‌های فرد در برابر تمامی اشیا یا موقعیت‌هایی دارد که به آن مربوط می‌شوند [پیشین].

هم‌چنین، در تعریف **فریدمن** و همکارانش، نگرش نظامی با دوام وصف شده که شامل سه عنصر شناختی، احساسی و «تمایل یا آمادگی برای عمل» است.

با توجه به تعاریف مذکور به نظر می‌رسد، اغلب روان‌شناسان اجتماعی تقریباً روی تعریفی از نگرش اتفاق نظر دارند که شامل سه بعد یا عنصر اصلی است [رحمانی، بی تا]:

- **عنصر شناختی** که بعد اول نگرش را تشکیل می‌دهد و شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره‌ی یک شیء، اندیشه یا موقعیت است. افراد نسبت به پدیده‌ها و آنچه که در محیط پیرامون آن‌هاست، داده‌ها، اطلاعات و شناخت مختلف و متفاوتی را کسب و پردازش می‌کنند که این شناخت، اطلاعات و ادراکات و بنیاد اعتقادات و باورهای آن‌ها را شکل می‌دهد.

بخشی از تفاوت نگرش افراد نسبت به یک پدیده، از میزان شناخت و اطلاعات آن‌ها نسبت به آن پدیده سرچشمه می‌گیرد. مثلاً میزان شناخت و اطلاعات دانش‌آموز از درس جامعه‌شناس، فیزیک، شیمی یا ریاضیات و چگونگی کاربرد آن در زندگی فردی و اجتماعی یا موقعیت شغلی و حرفه‌ای آینده، در نگرش او نسبت به آن درس نقش بسزایی خواهد داشت. [پیشین]

- **عنصر احساسی یا عاطفی** که بعد دوم نگرش محسوب می‌شود، به زعم بعضی از روان‌شناسان اجتماعی، هم‌چنان که در تعاریف قبلی نیز ذکرش رفت، مهم‌ترین عنصر نگرش است.

انسان‌ها با توجه به عقاید و باورهای خود، نسبت به پدیده‌های پیرامون احساسات و عواطف متفاوتی پیدا می‌کنند. این احساسات شکل دو قطبی به‌خود می‌گیرند: مثلاً دوستی یا دشمنی و عشق یا نفرت. البته این احساسات همواره شکل قطبی و حداکثری ندارند و گاهی حالت خنثا یا؟ نیز در تمایلات و احساسات افراد نسبت به اشخاص و پدیده‌ها به چشم می‌خورد. [پیشین]

- **عنصر تمایل یا آمادگی برای عمل**، سومین عنصر نگرش و بعد رفتاری آن است که واکنش و پاسخ‌گویی به آن پدیده یا شخص را به شیوه‌ای خاص شکل می‌دهد. [پیشین]

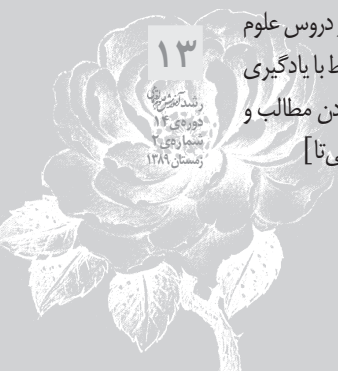
کسی که نسبت به یک پدیده یا کار و فعالیت تمایل مثبت دارد، تمایل و آمادگی بیشتری برای انجام آن کار یا فعالیت خواهد داشت. مثلاً دانش‌آموزی که به پزشکی علاقه دارد، به‌طور طبیعی باید به دروسی چون زیست‌شناسی یا شیمی علاقه‌ی بیشتری نشان دهد.

اکنون پس از روشن شدن تعریف و عناصر نگرش می‌توان به سؤالات اصلی این مقاله پرداخت که نگرش دانش‌آموزان نسبت به دروس مختلف چیست و چه برداشت و تلقی از محتوا، کاربرد و فایده‌ی دروس دارند. این نگرش‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرند و علل و عوامل آن‌ها کدام است؟ در نهایت این که نگرش دانش‌آموزان نسبت به دروس بر عملکرد و پیشرفت تحصیلی آنان چه تأثیر داشته است؟ در پاسخ به چنین پرسش‌هایی، پژوهش‌های متعددی در کشورهای جهان صورت گرفته‌اند که محصول آن‌ها مفاهیم، نظریه‌ها و ادبیات غنی در این حوزه‌ی موضوعی است. اما متأسفانه در کشور ما کمتر به چنین مسائل و موضوعاتی در پژوهش‌ها توجه شده‌است. اگر هم شده، در حد پایان‌نامه‌های دانشجویی و پژوهش‌های کم‌دامنه و غیر قابل تصمیم بوده است. به همین دلیل در این مقاله، در پرتو یافته‌ها و ادبیات نظری شکل گرفته در این زمینه، به تحلیل ثانویه‌ی برخی از داده‌ها و یافته‌های در دسترس در این زمینه‌ی می‌پردازیم. یافته‌های پژوهشی بیشتر نقاط دنیا بر این تأکید دارند که بین نگرش دانش‌آموزان نسبت به دروس و عملکرد و پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه‌ی مستقیم و مثبت وجود دارد.

محققان بر این باورند که بخش قابل توجهی از تغییرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در یک درس مشخص، از نوع نگاه و طرز تلقی آنان نسبت به آن درس نشئت می‌گیرد.

«انجمن بین‌المللی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی»، در مطالعه‌ای روی دانش‌آموزان ۱۳ ساله طی سال ۱۹۶۴، به این نتیجه رسید که در تمامی سطوح تحصیلی مورد مطالعه، چه در بررسی‌های به‌عمل آمده در بیشتر کشورها، و چه در مطالعات درون نظام‌های آموزشی هر کشور، بین نگرش مثبت به درس ریاضیات و علاقه به یادگیری آن، با پیشرفت تحصیلی در این درس هم‌بستگی مثبت وجود دارد. [ریئس دانا، ۱۳۷۹]

دکتر علی اکبر سیف در همین زمینه یادآور می‌شود که ۲۵ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را آمادگی‌های عاطفی و نگرش آن‌ها تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تا میزان یک چهارم، وابسته به نوع نگرش‌ها و طرز تلقی‌های آنان از درس و مدرسه است. [سیف، ۱۳۶۸] در این زمینه نتایج یک مطالعه در مورد مشکلات یادگیری دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی از تهران در دروس علوم و ریاضی حاکی است، عمده‌ترین مشکل دانش‌آموزان در ارتباط با یادگیری این دو درس، نگرش و تلقی منفی آنان در مورد کار برای بودن مطالب و ارتباط محتوای این دروس با زندگی روزمره است. [عصاره، بی تا]



یافته‌های یک بررسی دیگر در مورد رابطه‌ی نگرش دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی بر ریاضیات با میزان موفقیت تحصیلی آنان در شهر اصفهان نیز حاکی است، بین نگرش این دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی به درس ریاضیات و میزان موفقیت تحصیلی‌شان در این درس هم‌بستگی مثبت به میزان « $+0/45$ » وجود دارد. [رحمانی، ۱۳۸۰] به عبارت دیگر، نگرش مثبت دانش‌آموزان به ریاضیات، به میزان  $+0/45$  در موفقیت تحصیلی آنان مؤثر است و سهم قابل توجهی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را توضیح می‌دهد.

اما چنین رابطه‌ای تنها به دروس علوم پایه و ریاضی منحصر نیست و در دروس دیگر نیز کما بیش مشاهده می‌شود. نتایج مطالعه‌ای در مورد رابطه‌ی بین محتوای کتاب روان‌شناسی سال سوم دبیرستان با انگیزه‌ی درونی دانش‌آموزان حاکی است، میانگین علاقه‌ی دانش‌آموزان نسبت به محتوای کتاب روان‌شناسی « $25/50$ » است که از نمره‌ی میانگین کل طیف (۲۲) کمتر است و با توجه به تفاوت « $-6/94$ »، از لحاظ آماری معنادار و نشان دهنده‌ی این است که دانش‌آموزان به محتوای کتاب علاقه‌ندارند.

این پژوهش هم‌چنین نشان داده‌است که از نظر دانش‌آموزان، بین محتوای کتاب روان‌شناسی با توانایی‌های آنان نیز هماهنگی لازم وجود ندارد.

به‌طوری که ارزیابی دانش‌آموزان از هماهنگی محتوای کتاب با توانایی آنان، « $27/7$ » که با توجه به تفاوت « $-7/2$ » آن با نمره میانگین کل طیف (۲۲)، از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به نظر دانش‌آموزان، محتوای کتاب روان‌شناسی متناسب و هماهنگ با توانایی آنان نیست.

پژوهش مورد نظر هم‌چنین به ارزیابی میزان ارتباط محتوای کتاب روان‌شناسی با نیازهای دانش‌آموزان پرداخته است. یافته‌های پژوهش در این زمینه هم نشان می‌دهد که براساس دیدگاه دانش‌آموزان، بین نیازهای آنان و محتوای کتاب روان‌شناسی هماهنگی و تناسب لازم وجود ندارد و این کتاب کمتر توانسته است پاسخ‌گوی انتظارات و نیازهای آنان در زمینه‌ی روان‌شناسی باشد. [مرادی، بی تا] آنان به‌طور طبیعی انتظار داشته‌اند که با مطالعه‌ی این کتاب تا حدودی بتوانند رفتارهای دیگران و علت و عوامل آن‌ها را بشناسند، اما به نظر می‌رسد که این انتظار آنان را کتاب برآورده نکرده است.

به‌طور کلی یافته‌های متعدد نظری و شواهد تجربی حاکی از رابطه‌ی مستقیم بین نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس و مدرس و پیشرفت و موفقیت تحصیلی آنان است. اما نگرش دانش‌آموزان در ارتباط با درس و مدرسه چگونه شکل می‌گیرد و چه عوامل و متغیرهایی در پیدایش چنین نگرش و طرز تلقی‌هایی نقش دارند؟

یافته‌های پژوهشی به عوامل و متغیرهای مختلفی در این زمینه اشاره کرده و برای هر یک سهم و نسبتی را در شکل‌گیری نگرش‌های تحصیلی دانش‌آموزان قائل شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است:

## ۱. محتوای درس و برنامه درسی:

هم‌چنان که پیش از این نیز اشاره شد، محتوای درس و کتاب درسی نقش بسزایی در شکل‌گیری نگرش دانش‌آموزان نسبت به آن درس دارد. محتوای درس از نظر پیچیدگی یا سادگی مفاهیم و موضوعات، کاربردی، عینی و ملموس بودن محتوا، سختی و دشواری یا سادگی تمرینات و پرسش‌ها، حجم و تعداد فصول کتاب، نحوه‌ی سازمان‌دهی محتوای کتاب، تعداد ساعات تدریس کتاب، حتی شکل و فرمت چیدمان محتوا و فصول کتاب، و نیز کیفیت چاپ، ظاهر، عکس‌ها و طرح‌های کتاب می‌تواند در شکل‌گیری نگرش دانش‌آموزان نسبت به آن درس یا کتاب مؤثر باشد.

## ۲. معلم و نحوه‌ی تدریس او:

شخصیت معلم، نوع رابطه‌ی او (صمیمی یا خشک) با دانش‌آموزان، نگاه عادلانه و بدون تبعیض او به همه‌ی دانش‌آموزان، میدان دادن به مشارکت دانش‌آموزان در کلاس و بیکطرفه یا دوطرفه بودن کلاس، روش تدریس و بهره‌گیری از تکنیک‌های جذاب و بدیع، تسلط معلم بر موضوع درس، دقت و پی‌گیری در مورد یادگیری دانش‌آموزان، تلاش معلم برای عینی و عملی کردن درس و روشن کردن رابطه‌ی آن با زندگی آینده، و هم‌چنین داشتن اطلاعات حاشیه‌ای، رعایت نظم و دقت و ظاهر مطلوب و مورد پسند، در نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس مورد نظر مؤثر است.

## ۳. تجربیات گذشته در مورد درس یا معلم:

چنان‌چه دانش‌آموزی در مورد یک درس یا معلم تجربه‌ی مثبت یا منفی داشته باشد، با درس مشابه و جدید بر مبنای نگرش و تلقی گذشت برخورد خواهد کرد. اگر تجربه‌ی گذشته‌ی دانش‌آموز موفقیت‌آمیز باشد، نگرش مثبت نسبت به درس چه بدتقویت خواهد شد. و بر عکس، اگر تجربه‌ی قبلی توأم با شکست باشد، با درس جدید نیز با نگرش منفی برخورد خواهد کرد.

## ۴. گروه یا همسالان

فشار گروه‌های مرجع، از جمله گروه همسالان، برای دانش‌آموزان نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش آن‌ها نسبت به درس و مدرس دارد. افراد بزرگسال دارای نگرش‌های پایدار و تثبیت شده‌ای هستند که در اغلب موقعیت‌ها، راهنمای آن‌ها در اتخاذ موضوع مناسب است. اما نگرش نوجوانان و جوانان بیشتر تحت تأثیر رفتار دیگران، به ویژه گروه همسالان و گروه‌های مرجع شکل می‌گیرد. تشویق یک رفتار یا تقویت آن از سوی گروه همسالان موجب تداوم آن به صورت یک الگوی رفتاری برای کودکان و نوجوانان خواهد شد.

## ۵. محیط مدرسه:

محیط مدرسه و فضا و شرایط آموزشی که ترکیبی است از روش مدیریت مدرسه، برنامه‌ریزی آموزشی، نحوه‌ی کنترل و نظارت بر آن، و هم‌چنین نحوه‌ی رفتار کادر اجرایی مدرسه، از قبیل مدیر، معاونان، مشاوران، ناظم و شیوه‌ی کار و برخورد آن‌ها با دانش‌آموزان و تکالیف درس





## پی‌نوشت

### 1. Attitude

#### منابع

۱. گنجی، حمزه. روان‌شناسی اجتماعی. ۱۳۸۰
۲. کریمی، یوسف. روان‌شناسی اجتماعی. نشر ارسباران. تهران. ۱۳۷۹.
۳. کیوز، جان بی. دنیای یادگیری در مدرسه. ترجمه فرخ لقا رئیس دانا. پژوهشکده تعلیم و تربیت. تهران. ۱۳۷۹.
۴. سیف، علی اکبر (۱۳۶۸). روان‌شناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه، چاپ چهارم
۵. عصاره، علیرضا و همکاران. بررسی مشکلات یادگیری دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی شهر تهران از نظر محتوای مواد درسی و روش‌های تدریس دروس علوم و ریاضی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۶. رحمانی، جهانبخش (۱۳۸۰). بررسی رابطه‌ی بین نگرش دانش‌آموزان بر ریاضیات با میزان موفقیت تحصیلی آنان در دروس ریاضی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی شهر اصفهان. سازمان آموزش و پرورش اصفهان (شورای تحقیقات).
۷. مرادی، الهام. تحلیل محتوای کتاب روان‌شناسی سال سوم دبیرستان بر اساس روش ویلیام رومی.

آن‌ها، نقش قابل توجهی در علاقه‌مندی به درس و مدرسه یا دل‌زدگی و تفر از آن خواهد داشت. امکانات و شرایط مدرسه، مثل فضای تفریح و بازی، امکانات آموزشی، بودن کتاب‌خانه و آزمایشگاه، امکانات ورزشی و حتی نحوه‌ی چیدمان صندلی‌ها در کلاس یا آرایش و زیبایی کلاس، در شکل‌گیری تلقی و نگرش دانش‌آموزان نقش دارد.

## ۷. خانواده و والدین:

بخش قابل توجهی از نگرش‌های اساسی کودکان در خانواده شکل می‌گیرد. از همین رو طبیعی است که نگرش‌های تحصیلی دانش‌آموزان نیز تحت تأثیر جو و شرایط خانوادگی و نگرش‌های والدین باشد. به‌طور طبیعی انتظار می‌رود خانواده‌هایی که به درس و تحصیلات اهمیت بیشتری می‌دهند، چنین نگرش مثبتی در فرزندان آن‌ها نیز شکل گیرد. خانواده‌هایی که جوی فرهنگی بر آن‌ها حاکم است، والدین از تحصیلات بالا برخوردارند و نیز کالاها و محصولات فرهنگی چون کتاب، نشریه، فیلم، و لوح‌های فشرده آموزشی به روز در سبد خانوار پیدا می‌شود، در شکل دادن به نگرش مثبت در فرزندان در مورد تحصیلات موفق عمل می‌کنند. چرا که رفتار والدین و اعضای بزرگ‌تر خانواده، عموماً توسط کودکان و نوجوان به عنوان سرمشق مورد تقلید قرار می‌گیرد.

## ۸. وسایل ارتباط جمعی:

یکی از عوامل مهمی که در دنیای جدید، نگرش‌ها و گرایش‌ها را شکل می‌دهد، وسایل ارتباط جمعی است. برخی از محققان سهم وسایل ارتباط جمعی را در شکل‌دهی به نگرش‌ها، از مدرسه، خانواده و گروه هم‌سالان، قوی‌تر و پایدارتر ارزیابی کرده‌اند. دلیل این موضوع از یک سو فراگیری وسایل ارتباط جمعی بهره‌گیران جذابیت‌های تصویری، موسیقی، رنگ، گرافیک و متن منطبق با روان‌شناسی مخاطب، همراه با تنوع برنامه‌ها مطابق سلاقت و علاقت گردهمایی متفاوت سنی، جنسی، زبانی و... است. از سوی دیگر، وسایل جمعی بیشترین سهم را در گذران اوقات فراغت عموم مردم و به‌ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان ایفا می‌کنند. بنابر برخی یافته‌های پژوهشی، دانش‌آموزان بیشترین زمان فراغت خود را با تلویزیون سپری می‌کنند. بهره‌گیری از شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی، اینترنت و فضای مجازی نیز در مراتب بعدی گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان قرار دارد. بهره‌مندی از برنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و همراهی با الگوها و اسطوره‌های رسانه‌ای، بنابر برخی یافته‌های پژوهشی، در حال حاضر بیشترین نقش را در شکل دادن بر نگرش‌ها، گرایش‌ها و در نهایت جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان دارد. گرایش‌های شغلی، تحصیلی و حتی نوع رابطه‌ی افراد با اعضای خانواده و یا گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده در افراد را تا حدود زیادی رسانه‌ها شکل می‌دهند. اگر چه نباید قدری رسانه‌ها را مطلق؟؛ اما رشد فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی طی دو دهه‌ی اخیر و شکل جهانی و فراملی گرفتن آن‌ها، نقش و جایگاهی بی‌بدیل در شکل‌دهی به نگرش‌ها داشته است.

